



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۹ ■ ۲۰ آذر ۱۳۹۹

نوجوان
ج.م.ج



پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.

info@jamejandaily.ir



شماره پیامک
۳۰۰۰۱۲۲۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
باشماست



حسین شکیب راده دبیر نوجوانه، ۱۸ ساله که ۱۸ سالشه و به قول خودش در فصل نوجوونی زندگیش باقی مونده. **زهرا قربانی** که دبیر تحریریه نشریه است، با همه جوونیش، کلی سابقه کاری داره و همین باعث شده نوجوون‌ها رو خوب بشناسه، رحمت رنگ و لعاب ضمیمه نوجوانه هم که باعث شده مطالب خوندنی تر شن روی دوش **محمد لوریه**، بررسی آثار شما رو هم **زهرا خلیلی** انجام میده. ولی ضمیمه **نوجوانه** با همت **اعضای باشگاه هنر و رسانه نوجوان** تولید میشه، دم همشون گرم!



فرار از

سید سپهر
جمعه زاده



آن بیل، آن مرد بی سبیل، آن قبله طریقت ثروت آفرینان، آن محبوب دل‌های آنان و اینان، آن پیر پنه پول، آن مدیر به غایت غول، آن صاحب اصحاب ندیده، آن کاتب چندین جریده، آن مرد که در عالم برنامه نویسی، تپه‌ای نیست که بر آن نپزیده، جناب بیل التاجرین، موی گندم، ویلیام هنری بیل گیتس سوم؛ از تمام نشوندگان عرصه صفرویک بود.

در شرح وی آمده است که اکتبر ۱۹۵۵ در ۲ سالگی به دنیا آمد! یعنی نه منظورمان این است که در ۲ سالگی شرکت دانش بنیان مایکروسافت را تاسیس کرد و تولدی دوباره یافت. دوران مدرسه و تحصیل او

درحالی رقم خود که استعداد و علاقه اش نسبت به برنامه نویسی، طبق معمول توسط آموزش و پرورش بلادشان سرکوب می شد و بعدها نیز قبل از زدن به دل مایکروسافت از دانشگاه هاروارد انصراف داد.

لابد در ذهنتان آمده، که تحصیلات دبیرستان و دانشگاه لزوما تاثیر تعیین کننده‌ای در سرنوشت و آینده شما ندارد؛ صد البته غلط گمان کردید. نه! داریم دروغ می‌گوییم، درست فکر کردید، فقط نکته این است که ما نمی‌توانیم اینجا خارج از چارچوب حرف بزنیم، وگرنه با تیر می‌زنندمان! بگذریم.

به نظر نگارنده این متن، تنها فایده بیل گیتس بودن، مبتلانشدن به عارضه کمردرد است؛ چرا که هرگز لزومی ندارد برای برداشتن هزار دلاری‌های افتاده از جیب‌تان تا کم‌رخم شوید و آنها را بردارید. دلیلش هم این است که فقط ۴ ثانیه بعد عین آن پول را در حساب‌تان خواهید داشت؛ البته اگر زنگ باشید و آن هزار دلاری را طی یک ثانیه از زمین بردارید، می‌شود بازی برد-برد. با یک حساب ته‌انگشتی (همیشه که نباید سرانگشتی حساب کرد!) بیل قصه مادر هر ثانیه‌ای که بر ما می‌گذرد، ۲۵۰ دلار درآمد کسب می‌کند و این در حالی است که مادر هر یک ۲۵۰ دلاری که در حساب بیل می‌رود، یک ثانیه زمان کسب می‌کنیم. پس خوشبختانه فرق چندانی

از این جهت با بیل نداریم.

بیل گیتس که سال ۱۹۷۷ در نیو مکزیکو به دلیل رانندگی بدون گواهینامه و عبور از چراغ قرمز دستگیر شد و به شکل جنون آمیزی به رانندگی با ماشین‌های پورشه عادت دارد، به شدت علاقه مند است که ظرف‌های شام را خودش بشوید و اغلب اوقات نیز این کار را انجام می‌دهد. او می‌گوید: «افراد دیگری هم در خانه هستند که این کار را انجام بدهند اما من شیوه خودم را برای شستن ظروف دوست دارم،» لذا آقای بیل از این حیث و تنها به همین دلیل احتمال می‌رود که مورد سوء قصد

مردهای ایرانی قرار بگیرد به جهت بدعادت کردن اهل خانه، شاید کمی باورش سخت باشد اما تسامحاً می‌توان اولین بازی کامپیوتری جهان را به بیل گیتس نسبت داد. با نام

پرمفهوم و بلند آوازه الاغ. (DONKEY BAS) که در آن باید سعی می‌کردید با خودروی خود از برخورد با الاغ‌ها در جاده‌ای اجتناب کنید. دقیقا به همین پرمغزی؛ بیل گیتس روند ساخت بازی DONKEY BAS را در یادداشتی در سال ۲۰۰۱ میلادی به این صورت تشریح می‌کند: «در واقع من و فلانی تا ۴ صبح در یک اتاق کوچک نشستیم تا این بازی رو بنویسیم. سفارش دهنده اصرار داشت که ما برنامه نویسی این کار رو پشت درهای بسته انجام بدیم و ما در خانه مان تنها یک کمد داشتیم که قفل داشت؛ در نتیجه مجبور شدیم داخل این کمد که دمای آن بسیار بالا بود بنشینیم و یک برنامه بنویسیم که نشان دهد زبان برنامه نویسی بیسیک روی کامپیوترهای شخصی IBM چه کاری می‌تواند انجام دهد.»

البته این نظر بیل است درحالی که کارمندان شرکت اپل این بازی اولیه را اقتضاح و شرم‌آور توصیف کرده‌اند؛ البته انصافا اگر این بنده نگارنده را هم در کمد حس می‌کردند نهایتاً مثلاً بازی همان مار قرمزی را طراحی می‌کردم که دیوانه وار با خوردن توپ رشد می‌کرد و با برخورد سرش به دمش فوت می‌کرد!

کل دارایی و ثروت بیل گیتس ۷۵ میلیارد دلار است که البته این فقط حاصل فرار از مدرسه و دانشگاه نبوده و این که او روزگاری به مدت ۵ سال هر روز ۱۶ ساعت کار می‌کرده هم بی‌تاثیر نیست. پس برو کار می‌کن! گو چیست کار و کلی نصیحت خوشگل دیگر که متن ما را فاخر می‌کند هم در دل‌تان به آن اضافه کنید. باشد که بیل گیتس درونتان قبل از ۲۰ سالگی رخ بنماید.



عکس بی قاب



شماره قبل نوجوانه، این عکس را برایتان گذاشتیم و از شما خواستیم هرچه به ذهنتان می‌رسد برای ما بنویسید و پیامک کنید. این هم نتیجه زحمت و ذوق شما.

کیمیا زلفی گل ۱۶ ساله از اسلامشهر: آسوده

زیر چتر باش زیرا تمامی قوانین هستی به هم می‌ریزد اگر خواست خدا در میان باشد.

الیه رضایی از خمینی شهر اصفهان: غبار غم که بردلت بنشیند تمام وجودت زیر سنگینی اش متلاشی می‌شود و هیچ چتری تو را از بارش بی‌امان اشک‌ها محافظت نمی‌کند.

بیاتمتین کیا از تهران: همه نزولاتی که از آسمان می‌بارند، زیبا نیستند، بی پروا به زیرشان نرو!

نرگس حسین زاده ۱۴ ساله از مشهد: عقل کامل آدم مانند چتری محافظ در برابر حرف‌های بی‌هوده مقاوم است.

مهدیه بهشتی ۱۴ ساله از تهران: گاهی برای درامان ماندن از ریزش مشکلات، چتر بی‌خیالی را روی سرمان بگیریم.

محدثه جلیلی ۱۹ ساله از قم: تنها روزنه کوچکی از امید خواهد توانست از تو در برابر بزرگ‌ترین حوادث و موانع محافظت کند.

فاطمه رحیمی دوریش ۸ ساله از تهران: با یک تفکر درست، بزرگ‌ترین سختی‌ها را کنار بزیند، مثل چتری که ما را در برابر سنگی محافظت می‌کند. **نازنین نوروزی ۱۶ ساله از مشهد:** چتری خواهم ساخت از جنس مهر، امید، خانواده و لبخند...

آنگاه می‌شود محکم‌ترین چتر دنیا.

چتری که از من در برابر طوفانی‌ترین هوا و بزرگ‌ترین سنگ‌ها محافظت می‌کند.

مریم شاه پسندی ۱۶ ساله از تهران: گاهی انبوهی از افکار منفی، تنها با ذره‌ای امید دور نگه داشته می‌شوند...

بیبا شمس از خمینی شهر اصفهان: سختی‌ها و مشکلات همواره هستند ولی بستگی به دیدی که ما داریم خودشان را نشان می‌دهند.

مبینا اسدالهی ۱۴ ساله از تهران: لطف خدا را در یک چتر کوچک هم می‌توانی پیدا کنی. ایمانت را در برابر بزرگ‌ترین مشکلات از دست نده.

فاطمه سعید از کرمان: تنها تو هستی که انتخاب می‌کنی هنگام برخورد با موانع در مسیر رسیدن به اهداف، چای می‌زنی یا ادامه می‌دهی؟! **امیرحسین علی نیافر ۱۸ ساله از اسلامشهر:** زیر چتر مهربانی خدا، حتی باران سنگ هم از آسمان بیارد باز هم بیمه مهربانی اش هستیم. **متینا عروجی ۱۷ ساله از اندیشه:** خیالم با دنیای خودم خوش است؛ چتری از امید را نگه داشته‌ام تا مرا از این سنگینی سنگ روزگار محافظت کند و می‌دانم که بدون چترم زندگی‌ام نابود می‌شود!

معصومه سادات رضوی ۱۸ ساله از یزد: گاهی باید سنگ بود. مقاوم و سرسخت. سنگ چه ریز باشد چه درشت، مقاوم بودنش را به رخ می‌کشد. می‌دانی حملات روزگار شهاب سنگ است. سنگ باش، تا سنگ روی سنگ بند شود. **حدیثه محمدی ۱۷ ساله از کرج:** و من امید دارم به آسمانی آبی، و ابری سفید. آن وقت است که چتر کوچک الانم، به وسعت آسمانم، بزرگ خواهد شد...

ریحانه رضایی از خمینی شهر اصفهان: با خدا که باشی، از آسمان سنگ هم بیارد، چتر ایمان تو را حفاظت می‌کند.

عکس بی قاب



هر شماره یک عکس اینجا می‌گذاریم و شما می‌توانید شعر، جمله یا هر چیزی که در مورد آن به ذهنتان می‌رسد برای ما ارسال کنید. بهترین عبارات در شماره بعدی ضمیمه به اسم خودتان چاپ می‌شود.